

تعهد بی مصرف

شیره مالی حقوقی

امیرفیض - حقوقدان

تبعات بسیار خطرناکی که موافقتنامه ژنو برای ایران و ملت ایران خواهد داشت و به مصداق سنگی که دیوانه ای (جمهوری اسلامی) به چاهی میاندازد صد عاقل از درآوردن آن عاجز خواهند بود، درجریان یک حساسیت خاصی نسبت به موافقتنامه مزبور قرار گرفته ام و بطور طبیعی اخبار مربوط به موافقتنامه همه مسائل را تحت تاثیر قرارداد است.

هم امروز که تحریر میخواست درجریان یک مقایسه حقوقی بین قرارداد ترکمانچای و موافقتنامه ۵+۱ قرارگیرد خبرگزاریها از بیانیه شورای وزیران اتحادیه اروپا خبر آوردند؛ دربیانیه مزبور آمده:

«ایران باید تعهداتش را باحسن نیت (۱) اجرا کند. شورای وزیران اتحادیه متعهد میشود که گامهای لازم (۲) را بردارد و آن بخش از تحریم های اتحادیه اروپا که در برنامه اقدام مشترک آمده (۳) پس از اجرای تعهدات ایران و تائید آژانس بین المللی اتمی و براساس توصیه کاترین اشتون (۴) نماینده ارشد اتحادیه اروپا را به حالت تعلیق (۵) درآورد»

بیانیه مزبور در معیار حقوقی تعهد بی مصرف و در عرف عوام شیره مالیدن سر طرف نا آگاه است.

عجیب اینجاست که وزن حقوقی تعهد مزبور با وزن حقوقی توافقنامه ۵+۱ هماهنگ است یعنی هم بیانیه شورای وزیران و هم موافقتنامه ۵+۱ در جهت عدم قاطعیت، ابهام و تشخیص یکطرفه تنظیم شده است.

عجب دوم اینجاست، همانطور که موافقتنامه بدون تامل، یکسره مورد تائید و تجلیل کشورهای اروپایی و آمریکا قرار گرفت و ایران که طرف شکست خورده و محکوم شده موافقتنامه است بیش از کشورهای اروپایی و برنده موافقتنامه به استقبال آن موافقت رفت، اکنون نیز همین جنبه های تبلیغاتی بسوی بیانیه شورای وزیران اتحادیه اروپا جاری است.

مواد تعهد بی مصرف

(۱) معنای حسن نیت

معنای حسن نیت که متعارف در گفتگوی ماست با آنچه که در قرارداد های بین المللی از آن مستفاد و معمول است تفاوت دارد.

حسن نیت و اثره ای است که در غالب قرارداد های بین کشورها به آن اشاره میشود که اگر به ماهیت قرارداد هاتوجه شود به این حقیقت میرسیم که ذکر واژه مزبور رعایت یک نوع نزاکت سیاسی و بین المللی است.

سه رهبر فاتح در جنگ دوم در کنفرانس تهران تعهد هایی را با «حسن نیت» پذیرفتند، ولی حسن نیت استالین دروغین و از سر «شیره مالی و تقلب» بود.



عده ای از حقوق دانان، حسن نیت در قرارداد هارابه معنای فراغت از تقلب، کره، اغفال، رفتاری که معمولاً باید در قرارداد هارعايت شود و چیزهایی شبیه آن میدانند. در برخی از قوانین مدنی کشورها از جمله فرانسه اصل حسن نیت در قرارداد ها وارد شده است در قانون مدنی ایران بطور ضمنی در شرایط عقد و در فقه اسلامی بعنوان غرر آمده است.

بهر حال ضابطه ای مشخص و تعریفی که بتوان محدود به حسن نیت طرفین و یا یک طرف قرارداد را چه بهنگام امضای قرارداد و یا اجرای آن معلوم ساخت در دست نیست و بیشتر جنبه ادعا و در محیط رسیدگی ممکن است حضور آنها ثابت کرد و میتوان آنها از مواردی که کاربانه را آسان میسازد شناخت.

در حالیکه موافقتنامه ۵+۱ پایه و اساس برنامه هسته ای ایران است و مقصود فصل (مکانیسم راستی آزمائی) آن موافقت نامه،

همان ابراز حسن نیت جمهوری اسلامی است و مواردی که کیفیت حسن نیت و یا عدم حسن نیت جمهوری اسلامی را به اثبات برساند مشخص شده، و آژانس بین المللی اتمی نیز در آن مداخله مستقیم دارد، دیگر در بیانیه شورای وزیران اتحادیه اروپا به چه قصدی با تاکید بر حسن نیت ایران وارد شده است؟

در بیانیه شورای وزیران که ۴ سطر بیشتر نیست دوباره اجرای تعهدات جمهوری اسلامی با حسن نیت اشاره شده است.

این میخ کوبی محکم برای این است که بیانیه جای پای محکمی برای بهانه گیری در رابطه با حسن نیت فراهم کرده و غرض و مقصود نهانی پنهان شده باشد و بقول مولوی:

چون غرض آید هنر پوشیده شد صد حجاب از دل بسوی اندیشه شد

اینکه در بیانیه آمده «ایران باید تعهداتش را با حسن نیت اجرا کند» چگونه قابل اثبات است که ایران تعهداتش را با حسن نیت و یا بدون حسن نیت انجام داده؟ و دانه و مفهوم حسن نیت مطابق حقوق کشور متعهد است و یا اتحادیه اروپا؟ چرا که کشورهای عضو اتحادیه اروپا از حسن نیت تعریف ثابتی ندارند؟

از آنجا که در موافقت نامه ۵+۱ مرجعی برای دادخواهی ایران و یا ادعای عدم حسن نیت ایران وجود ندارد و مراجعه به دادگاه بین المللی لاهه هم با اشکال حقوقی که در تحریر تجزیه تحلیل حقوقی موافقت نامه به آن اشاره و استناد شده است مرجعی نیست که بتواند به اختلاف حاصله در رابطه با حسن نیت حکم بدهد لذا تعهد ایران بی مصرف خواهد ماند یعنی انجام تعهد از سوی ایران در جهتی مصرف خواهد شد که بازده ندارد.

اگر دائره حسن نیت رامحدود به اغواگری و تقلب و صحنه سازی و امثال آن بدانیم و آنرا متوجه طرفین قرارداد بگیریم نه فقط یک طرف، میرسیم به این حقیقت که موافقتنامه برپایه اغوا، فریب، واژه های چند پهلو و امثال آنها، آنها به نفع ۱+۵ و ازسوی همان ۱+۵ تهیه شده است، چگونه میتوان فصل حسن نیت را فقط برای یکطرف قرارداد به حساب آورد؟

سابقه عدم حسن نیت

اسناد مذاکرات ۱+۵ با جمهوری اسلامی نشان میدهد که خانم شرمین سرپرست هیئت آمریکائی قبل از آغاز مذاکرات، ایران را اصولاً دروغگو و دغلكارخواند یعنی فاقد حسن نیت دانست.

در حقوق و فلسفه ضابطه ای هست <از کسی که میدانیم امانت دار نیست نمیشود خواستار امانت شد>

نمیشود انسان مالی را که میداند معیوب است میخرد مدعی بشود که چرا آن مال سالم نیست. <علم به ما وقع سالب اعتراض و ادعاست>.

اتحادیه اروپا و گروه ۱+۵، با جمهوری اسلامی که ماهیت آن کاملاً برای آنها روشن است وارد معامله و امضای موافقت نامه شده اند، بنابراین نمیتوانند خلاف ماهیت جمهوری اسلامی که بر آنها روشن و مورد اقرار و اعلام هم قرار گرفته خواستار حسن نیتی از جانب جمهوری اسلامی بشوند که نه معمول سران جمهوری اسلامی است و نه قانون اساسی آنها اجازه رعایت آنرا نسبت به خارجیان میدهد.

از آن گذشته بعد از امضای موافقت نامه، آقای عراقچی اعتراف کرد که از بغل زیرکی وزیر پرده، توانسته واژه «آدرس» را برای سوء استفاده های آتی ایران در موافقت نامه بگنجاند.

با این شهادت ناب!!، چطور شورای وزیران میتواند باب حسن نیت را میزان اجرای تعهدات جمهوری اسلامی قرار دهد؟

(۲) برداشتن گام های لازم

برداشتن گامهای لازم، برای برداشتن بخشی از تحریم ها نامفهوم است و سبب بطلان تعهد میگردد.

گامهای لازم، یعنی چه؟ معیار لازم بودن و یانبودن گامها فاقد ضابطه شناخته شده و قانونی است و هر حرکتی میتواند برداشتن گام تلقی شود و هیچ محدودیت زمانی ندارد که در چه مدتی این گامهای لازم به آخر خواهد رسید **شیره مالیدن** یعنی همین.

این دقت لازم است که بیانیه نمیگوید که گامهای لازم به ختم تحریم ها خواهد رسید بلکه میگوید پس از انجام تعهدات با حسن نیت از سوی ایران، و موافقت آژانس اتمی و **توصیه خانم اشتون** (۴) آن قسمت از

تحریم ها که در **اقدام مشترک** (۳) آمده است تعلیق خواهد شد.

اثبات اجرای تعهدات جمهوری اسلامی آنهم باحسن نیت، تائید آن از سوی آژانس اتمی مدعی ایران، و اتحادیه اروپا که واضع تحریم ها علیه ایران است همان سد سکندراست که عبوراز آن ممکن نیست.

یعنی علیرغم اینکه ایران به تعهداتش با حسن نیت عمل کند الزامی برای ۱+۵ نخواهد بود که تحریم ها را بردارد وهمچین الزام و تعهدی هم برای اتحادیه اروپا نخواهد بود که تحریم های وابسته به خود را بردارد بلکه فقط آنها را تعليق (۵) میکند.

تعليق یعنی موقتا تصمیمی را متوقف کردن، وبا رفع تحریم متفاوت است. تعليق کننده میتواند به تعليق رجوع کند بدون آنکه نیازی به اثبات ویامراجعه به دادگاه را داشته باشد. تعليق درلغت به معنای آویزان کردن است که شخص آویزان کننده (تعليق کننده) هرزمان که خواست لباسش را از جا رختی برمیدارد.